

تشریف فرمائی اعلیحضرت

به کنگره آمریکا

بیانات اعلیحضرت

امیرفیض-حقوقدان

در این قسمت از تحریر برخی از فرمایشات اعلیحضرت در رابطه با مذاکرات با سناتورهای آمریکائی مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت. ^۱

علت این ملاقاتها

اعلیحضرت علت تشریف فرمائی به کنگره و ملاقات با برخی از سناتورها را تشخیص راه حلی دانسته اند که بتوان مشکلی بنام جمهوری اسلامی و درحقیقت فرقه ای تبهکار بنام جمهوری اسلامی را حل کرد، زیرا در این نکته که همه مردم ایران و کشورها از تحمل مصائب جمهوری اسلامی واقف و معتقد به لزوم تغییر آن هستند تردیدی نیست و مقصود حاصل است و اکنون کار به مرحله کشف راه حل با هزینه هرچه کمتر رسیده است (۱)

حمایت از خواستهای ملت ایران

✱✱ نسخه ای که اعلیحضرت برای تغییر رژیم جمهوری اسلامی پیشنهاد فرموده اند حمایت جامعه جهانی خاصه آمریکا از خواستهای بحق مردم ایران است و ایشان این تذکر را هم دادند که ملت ایران هیچ کمکی از جانب جامعه بین المللی دریافت نمیکند. (۲)

✱✱ حمایت از مردم ایران صفحه ترازو را به سوی منافع ایران و کشورهای خارجی سوق خواهد داد و من این مهم را در تکلیف و سهم خود قراردادده ام که صدای مردم ایران را به جهانیان برسانم. (۳)

(پایان موارد مورد نقد این تحریر)

۱- راه حل با هزینه کمتر

هزینه کمتر، یک اصطلاح مبارزاتی است که مفهوم آن با آنکه متوجه هزینه های مادی مبارزه است ولی در عمل قابل اجرانیست و جنبه تعارف و مردمی دارد. زیرا هزینه های مادی مبارزه الزامی است. چیزی نیست که بتوان با محدود کردن و اندازه گیری و تعیین و مقدار آن مبارزه را شروع و ادامه داد. مبارزه و کم و کیف آن است که هزینه را طلب میکند نه اینکه هزینه، به اندازه مبارزه باشد، هزینه های اجباری مبارزه است که کشورها را ورشکسته میکند و اگر هزینه جنگ در اختیار کشورها بود کشورها بواسطه مشارکت در جنگ ورشکسته نمیشدند.

مبارزه چون متغیر و منوط به عملیاتی هست که کنترل آن از سوی هر طرف مبارزه ممکن نیست؛ لذا هزینه آنها متغیر است و کم و زیادی هزینه آن به تغییرات مبارزه و سمت و صعود آن مربوط است نه برعکس.

نیروی معنوی در مبارزه

تنها چیزی که حضور و وجودش در مبارزه از هزینه مبارزه بشدت میکاهد قرار گرفتن مبارزه زیر چتر اعتقاد و نیروی معنوی رهبری مبارزه است، که بصورت فداکاری و از خود گذشتگی از بار هزینه مبارزه میکاهد و مصائب مبارزه را حتی در حد از دست دادن جان، بسیار ارزان و ممکن میسازد. هیچ قدرت مادی نمیتواند جایگزین قدرت معنوی گردد. عشق و علاقه به فرزند، به وطن و به دین و سنتهای ملی از منابع بی پایان تولید قدرت معنوی است. قدرت معنوی جامعه از رابطه پیکره های قدرت های معنوی بروز میکند و همه کسانی که تحت تشعشعات این قدرت نامرئی قرار میگیرند در محوطه عمل و تاثیر آن قدرت قرار گرفته و به سلاح جانبازی، فداکاری ناشی از اعتقاد و دفاع از هویت و وطن مجهز میشوند که در این مسیر آنچه که کاملاً تحت الشعاع قرار میگیرد قدرت های مادی است.

این تحریر نمیگوید که قدرت های مادی بدون قدرت معنوی کارساز نیست، هست و نامش قهر و غلبه و خون و خونریزی است، قدرت های مادی فاتح جسم اند و قدرت های معنوی فاتح دلها قدرتهای مادی بر مردم تحمیل میشود و قدرت معنوی مردم به استقبال آن میروند.

تشبیه قدرت معنوی

قدرت معنوی جوامع بشری در تشبیه مانند ریشه است و همانطور که ریشه درخت بدون اینکه دیده شود عامل اصلی حفظ درخت در مقابل طوفانهای شدید است، قدرت معنوی هم همان نقش را ایفا میکند. تجسم کنیم که یک درخت کهن بزرگ و سنگین چگونه سرپا ایستاده است در حالیکه از هیچ سو حمایت فیزیکی نمیشود. بجای آن حمایت فیزیکی که بسیار مشکل و پرهزینه است تنها ریشه آن که دیده هم نمیشود قدرت غیرمادی است که آن درخت را سرپا نگهداشته است.

قدرت معنوی در جوامع بشری

در جوامع بشری بتناسب فرهنگ و قدمت تاریخی، یک پایگاه رهبریت معنوی بوجود آمده است که گاهی بصورت پیکره ها و یا باورهای دینی و یا اشخاص تاریخی و فیلسوفان و عرفا درآمده اند.

در تاریخ و فرهنگ کشورما این نیروی معنوی از ادوار بسیار قدیمی مختص پادشاه بوده است، و دامنه این قدرت معنوی در حدی گسترش داشته که مردم رفع همه مشکلات حتی مشکلات کوچک روزانه را در کنار و استفاده از این قدرت معنویت شاه قابل حل میدانستند.

سیسرون مورخ رومی درصد هاسال قبل از میلاد گفت: <در هر گرفتاری چشمهای مردم ایران برای نجات خود بسوی شاه است> دکتر مصدق هم همین عبارت را در مجلس بکار گرفت. آقای مهدیقلی هدایت هم در این زمینه مشاهدات عینی و فلسفی خود را نوشته است.

امروزه این قدرت معنوی در وجود و نام رضاپهلوی است که ولیعهد قانونی بوده و در موقع مقرر اتیان سوگند فرموده اند.

نسخه راه کم هزینه

راه نجات ایران آنهم در مسیر هزینه کم استفاده بدون چون و چرا از قدرت معنوی شاه است. در همین روزها ناظریم که مردم ایران خاصه جوانان خواستار برگشت اعلیحضرت هستند و در پیامهایشان بکرات **میگویند شاهزاده برگردد**. این جوانان نه دوران باشکوه ایام سلطنت شاهنشاه ایران را دیده اند و نه اعلیحضرت در ایران، دوران سلطنت و خدمت به کشور را گذرانده اند؛ و نه در خارج از کشور کاری که نشان دهنده قدرت و ایجاد کننده امید رهایی باشد از اعلیحضرت دیده اند. پس چرا خواهان بازگشت ایشان هستند؟ پاسخ روشن است؛ **تحركات و هیجانات فکری و درونی و ذهنی آنها ناشی از وجود قدرت معنویت سلطنت و پادشاه است که بطور طبیعی مردم را جذب و با امید رهایی محشور میسازد.**

مردم ایران بطور طبیعی شاه دوست هستند؛ این بیان تاریخ و نظریه مورخین و جهانگردان اروپایی است

چرا این ملت عشق و اعتبار ملی به پادشاهی میدهد که نه او را دیده و نه خدمتی از او بیادگار مانده.

چرا مردم ایران به احمد شاه قاجار فرزند خردسال محمد علیشاه که از پدرش رضایت ملی نداشتند دران شرایط تاریخی حساس دل و روح دادند و او را به سلطنت نشانندند؟ پاسخ روشن است <پادشاهی مظهر سلطنت ایران است و همان اعتباری را که ملت به نهاد سلطنت میدهد به پادشاه جوان و یا ولیعهد کشورش تقدیم میکند.>

این یک سیر تاریخی و فرهنگی است که انسانها در مقابل آن نه تمایلی به مقاومت دارند و نه قابل به مقاومت هستند کما اینکه اسلام هم در مقابل این قدرت مقاومتی نکرد و تسلیم شد.

هیچ گوشه ای از تاریخ ایران نیست که محقق را از شاه دوستی و قدرت معنویت شاه غافل ساخته باشد.

یک مورخ ایتالیایی بنام آنتونیو که در اوایل صفویه به ایران آمده نوشته است:

<در آن زمان شمع فرو مرده شاهنشاهی ایران یکبار دیگر بر ایرانشهر بدرخشید و نوای شاهدوستی یا دوستداری شاه، فداکاری و جانفشانی در راه مرشد کامل را بگوش رسانید. صوفیان، قزلباشان شاه اسماعیل ربا آنکه ۱۳ سال بیشتر نداشت به پادشاهی گماردند و مانند پدرش شیخ حیدر و نیاکان او پیشوای مذهبی و باصطلاح مرشد کامل خود دانسته و پیروی از اراده و خواست او را محترم میدانستند (مشروح درسنگر هفتم آبان سال ۶۴)>

این باور عمومی؛ یعنی کشش جامعه بسوی قدرت معنوی شاه، که از قبل از اسلام در جامعه ایران ریشه داشته سبب گردیده که اسلام آنرا تائید و در آیه ۸۳ سوره کهف در مورد کوروش میگوید: <بدرستی که ما اورا قدرت دادیم بر استیلاي زمین **واسباب هرکاری را برای او فراهم ساختیم** = (یعنی ماموریت نجات ایران از سوی خدا در کف لیاقت و قدرت معنوی والهی اعلیحضرت قرار داده شده).

نگوئید، آقا این حرفها مال زمانهای گذشته است؛ امروز آخوند حاکم است مردم دوران شاه را فراموش کرده اند و امثال آنها. روانشناسان عقیده دارند چیزی که نسل اندر نسل و در قرون و اعصار در مردمی ریشه داشت به آسانی تغییر پذیر نیست.

آخوند منتظری هم نوشته است: <چیزی که مردم سالها به آن عادت کرده اند را نمیشود به فراموشی سپرد.>

صفحات تاریخ گواه است که در مواقع بحرانی و خطر همینکه عنایات شاه متوجه مردم میشد قضایا بصورت مطلوب حل میگردد. قدرت معنوی، کاری میکند که قدرت مادی در هر حدی باشد نمیتواند بکند. کارها و دستاورد های قدرت مادی سطحی و موقتی و بازور همراه است در حالیکه دستاوردهای قدرت های معنوی ریشه ای و طبیعی است و از عشق و جوهر وجود غلیان یافته است.

نگاه کنید نسبت به شخص اعلیحضرت که آن شخصیت ناشی از موقعیت و قدرت معنوی ایشان است بیشترین تهاجمات، اتهامات، تحقیرها متوجه ایشان شده است؛ آنهم در حدی که نه نسبت به هیچ ایرانی دیگر بلکه نسبت به هیچ فردی در دنیا این هجمه ها وجود ندارد، معهذاً باز هم اعلیحضرت بیش از هر ایرانی در خارج و داخل کشور طرفدار و یار وفادار دارد؛ و این مسئله قضاوت بنده نیست نقل از واقعیت است که حتی از دید سناتورهای که با اعلیحضرت گفتگو داشته اند نیز پوشیده نبوده است؛ مقصود آنهاست که آقای سناتور مک کین گفت: <رضاپهلوی رهبر معنوی است و وقت آن است که برگشت بزرگترین تمدن های شرق زنده شود.>

بهر حال برای براندازی فرقه تبهکار جمهوری اسلامی بهترین سلاح استفاده از نیروی معنوی سلطنت و پادشاهی است که این نیرو آشنای دل و روح مردم ایران است؛ و به مجرد نزدیکی آن با استقبال و هیجانی بطور طبیعی مواجه خواهیم شد.

راه حل بکار بردن نیروی معنوی

درخواست و نیاز به کمک آمریکا و جامعه جهانی که از مضامین بیانات اعلیحضرت مستفاد میگردد به هیچوجهی نمیتواند موثر باشد مگر اینکه موانعی که خود آمریکا در راه تحقق رسالتی که بر عهده قدرت معنوی و رهبری اعلیحضرت نهاده شده است بر طرف گردد.

تشبیه

اتومبیلی که در گل گیر کرده و نیاز به کمک برای حرکت دارد اگر ترمز و دنده آن خلاص نشود کمک و فشار برای حرکت چه سودی دارد؟ آمریکا قدرت معنوی و عامل و محرکه نجات ایران از فرقه تبهکاران با طرح تحریم فعالیت سیاسی اعلیحضرت را قفل کرده است؛ **نخستین و موثرترین کمک به مبارزه ایرانیان برای دفع شر فرقه تبهکار همان آزاد ساختن نیروی معنوی سلطنت است.**

اکنون این تحریر راه کار این مهم را بطور سطحی میخواند بازگو کند.

خبر مهم

آقای دکتر حمزه پور که بعنوان یکی از مهمترین مشاوران ایرانی آقای ترامپ نامیده میشود در یک گفتگوی تلویزیونی به مدیریت خانم شکوه ارشادی درسوند اظهار داشت <در زمان آقای اوباما چون دولت او در پی سیاست تعامل با جمهوری اسلامی بود به شاهزاده رضا پهلوی تکلیف شد که فعالیت سیاسی اش را متوقف و یا به کشوردیگری منتقل کند ولی اکنون در دولت آقای ترامپ این محدودیت

خوانندگان محترم مسبق هستند که در تحریرات قبلی اشاره ای بود که دولت آمریکا برای تسلط و نزدیکی با جمهوری اسلامی فعالیت اعلیحضرت را زیر کنترل و سهم دولت فرانسه قرار داده است و همچنین این توجه داده شد که (رضا) پیرزاده و (لیلا) نازیلا گلستان، مامورین اطلاعاتی دولت فرانسه هستند برای ادامه حصر سیاسی اعلیحضرت. اکنون اظهارات آقای دکتر حمزه پور نشان میدهد که اساسا بحث تحریم سیاسی اعلیحضرت بوسیله آمریکا و ادامه طرح هنری پرشت تاکنون ادامه داشته و شاید زمینه برداشتن آن محرومیت مهیا شده باشد. (پایان)

امراه کار

مبانی حقوقی این راه کار میتواند مسائل زیر باشد:

- ۱- طرح هنری پرشت ۲- اعلامیه جهانی حقوق بشر- ۳- قانون اساسی آمریکا -۴- سیاست تازه دولت آمریکا ۵- امنیت جهانی و اظهارات آقای دکتر حمزه پور.

شقوق اجرائی راه کار

*** یکی از افراد وابسته به دولت آمریکا در بیانیه ای رفع حصر سیاسی که بموجب طرح هنری پرشت تحمیل بر ولیعهد ایران در سال ۵۸ شده است را اعلام بنماید.

*** این بیانیه طوری تنظیم شود که موجب تحقیر و یا ورود اتهامی رابه آمریکا متضمن نگردد.

*** متن بیانیه میتواند گویای این حقیقت باشد که:

<دولتهای سابق ایالات متحده بنابر سیاست و تشخیص خود محدودیت هائی برای فعالیت رضایهلوی را لازم میدانستند که اکنون دولت آمریکا ادامه آن سیاست و روال محرومیت را لازم نمیداند بنابراین رضا پهلوی مانند افراد عادی میتواند نسبت به اعتقادات سیاسی خود فعال باشد.>

مقصود دیکته کردن متن نیست بلکه همکاری در توجه به موضوع است.

*** **انتشار این بیانیه** بمنزله همان برداشتن پا از ترمز حرکت مبارزه ایرانیان زیر لوای قدرت معنوی اعلیحضرت است و تلاشهای ایرانیان برای نجات کشورشان بدون مانع میگردد.

**** انتشاربیانیه مزبور** یک ولوله سیاسی جهانی است که تاثیر آن درجهانی که ملتهب از اقدامات جمهوری اسلامی است، غیرقابل حد از پیش بینی خواهد بود میتوان آنرا در روحیه و انتظارات ایرانیان بمثابه بمب اتمی دانست که در نقطه ای از جهان منفجر شود.

**** بیان حقیقت در آن بیانیه مسلمانان زائل کننده برخی اتهامات از قبیل بی توجهی به سوگند سلطنت اعلیحضرت تلقی خواهد شد.**

**** این بیانیه** اعتبار و احترام فوق العاده ای برای دولت آقای ترامپ ایجاد خواهد کرد زیرا با آزاد ساختن بالهای نجات ملت ایران و تامین آزادی فعالیت سیاسی برای شخصیتی که نماد ملتی تاریخی و با سابقه دوستی آمریکاست بوظیفه قانونی و حقوق بشری و حتی سیاسی و انسانی خود عمل کرده است.

**** تاثیر این بیانیه در انتظارات مردم** در یک کلمه خبر بازگشت شاه، ذوق و اشتیاق ذاتی مردم را در استقبال از شاه زنده میسازد و ملت رابه خیابانها میکشاند و ارتشیان و پاسداران که هنوز عرق ملی در وجودشان ریشه دارد به ذوق و شوق مردم میبوندند.

**** تاثیر این بیانیه** وقتی جدی و قابل رسوب است که از سوی کشور آمریکا یعنی همان کشوری که طرح هنری پرشت را تحمیل و لیعهد وقت کرده است انتشار یابد.

**** تاثیر این بیانیه** هزاران مراتب بیشتر از تهدید های نظامی است پیام واقعی این بیانیه همین بیت است.

غاصبین رذل، سارقین هویت ملی، شاه دارد میآید

**** بیانیه مزبور فاصله بین دهه ۶۰ تا کنون که تداوم سلطنت بوسیله اقدامات و اظهارات اعلیحضرت به آلودگی ها و نقض غرضهائی مواجه شده است، مرتفع میسازد و بدون نیاز به تشریفات اعلیحضرت درست در جریان سوگند سلطنت نهم آبان ماه قرار خواهند گرفت. (فرس ماژور).**

**** به مجرد صدور بیانیه مزبور** اعلیحضرت براه استفاده از قدرت معنویت و قانونی سلطنت شخصیتی را معین و اعلام و تمام مسئولیت های نجات ایران رابه او محول میکنند، (دولت موقت) و خودشان بکل از کارهای اجرائی کنار خواهند کشید که همانطور که خودشان فرموده اند برای سلطنت تربیت شده اند.

> تمام معلمانی که طبق دستور پدر و مادریه تدریس و لیعهد گماشته شده اند و من نیز یکی از آنها بودم
تعلیم داده اند که ایشان برای ولیعهدی و پادشاهی تربیت شده اند. (مصاحبه آقای ناصر امینی با دکتر کاظم ودیعی سال ۲۰۱۱)

کمک آمریکا و جامعه جهانی

پس از انجام تحولات بالاست که مسئله نیاز دولت شاه و احتمالاً کمک جهانیان مطرح میشود؛ درخواست دولت شاه از خارجیان یک درخواست قانونی است و درخواست مداخله افراد از کشورها محسوب نمیشود و مبنای این کمک ها که میتوان برپایه وام باشد که ایجاد هیچگونه سوء تعبیری نخواهد کرد و یا با استفاده از انتشار اوراق قرضه نجات ایران که شرح و بسط آن در یکی از سنگرها آمده است.

به این تشبیه توجه کنید

وقتی نسیمی میوزد خرمن داران باید از آن استفاده کنند والا نسیم باد تمام میشود و همانطور خرمن ها بر زمین خواهد ماند، اشاره ای که در اظهارات آقای دکتر حمزه پور آمده و به آن توجه داده شد همان نسیم است و آن بیانیه مورد انتظار، همان ابزار برپادادن خرمن هاست اگر از آن استفاده نگردد آن نسیم هم بی اثر خواهد شد و جمهوری اسلامی همچنان برملت ایران سوار خواهد ماند.

طوفان دریشی

اکنون ایران در آشوب و وحشت است وحشت از جنگ، وحشت عموم مردم از ورشکستگی بانکها و نابود شدن سرمایه ها و اندوخته های آنها، (توضیح، وجوهات مزبور باگردش مالی خاص در جنگ سوریه و یمن و حزب الله مصرف شده و عنوان شرعی ن- دفاع از حرم زینب توسط مردم است. مشکل بانک مرکزی همین است که نمیتواند جریان نقل و انتقال و مسئولین امر را توضیح دهد) (گفته شده تنها در یکی از موسسات مالی جمهوری اسلامی ۴۵۰ هزار تن و در مجموع ۶ میلیون ایرانی سرمایه آنها در مسیر باد و ورشکستگی قرار گرفته است) ایجاد تفرقه آنها در حد بود و نبود یکی بین دولت و ولایت فقیه آنها در حدی که موضوع تائید صلاحیت شیخ حسن و امضای حکم ریاست جمهوری او پادرواست و حتی رسم دیرینه دعوت رئیس جمهوری برای میهمانی افطاری هم در ابهام است، دودستگی در ارتش و همچنین در سپاه به اعتبار همان تفرقه بین دولت و خامنه ای و نیز از بین رفتن اندوخته های آنان، جبهه گیری کشورهای عرب، تعطیل کارخانجات و اوج بیکاری همه و همه طوفانی است که نشان میدهد بیانیه احتمالی دولت آمریکا و اقدام سریع اعلیحضرت در جهت بهره برداری سیاسی از آن، حل مشکل جمهوری اسلامی (فرقه تبهکار) را در مسیری قرار خواهد داد که نیازی به دخالت خارجیان و یا اقدامات نظامی نخواهد بود.

ادامه این تحریر را بپذیرید متشکر